

بررسی بن مایه‌های اقلیمی در آثار احمد محمود

دکتر جلیل مشیدی^۱. فرید حیدری آل کشیر^۲*

۱. استاد تمام رشته ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات. دانشگاه اراک. ایران

۲. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه اراک. ایران

(نویسنده مسئول*)

چکیده

موتیف که در زبان فارسی بن مایه، نقش مایه یا درون مایه ترجمه شده است همان عناصر تکرار شونده ای هستند، که از این راه می‌توان به دنیای ذهنی نویسنده راه یافت. این عناصر در آثار نویسنده که تحت تاثیر عناصر و پدیده های محیط پیرامون خود در آثار نمود پیدا می‌کنند بن مایه‌های اقلیمی هستند. از قلیم‌های مهم داستان نویسی، اقلیم جنوب است که در این مقاله سعی شده بن مایه‌های اقلیمی در آثار احمد محمود بررسی شود تا از این طریق بتوان جایگاه محیط زندگی و فضای جغرافیایی زندگی او را در آثارش بررسی کرد.

این بررسی نشان می‌دهد احمد محمود به شکل خود آگاه و ناخود آگاه عناصر اقلیمی جنوب همچون هوای گرم و شرجی، دریا، نخل و... را در آثار خود مکرر به کار برده است.

واژه‌های کلیدی: بن مایه (موتیف)، اقلیم - داستان، احمد محمود

مقدمه:

موتیف یا بن مایه از اصطلاحات نقد ادبی جدید است. موتیف در یک اثر فضای فکری نویسنده را نشان می دهد و ملاکی است برای بررسی آثار ادبی و شاخصی برای سنجش و پیگیری سیر اندیشه صاحب اثر است. در ادبیات و زبان فارسی اغلب معادل بن مایه را برای این اصطلاح پذیرفته اند. در واقع موتیف در ادبیات: موضوع، تصویر، طرح یا الگو دانسته شده است که با ظهور پی در پی، در اثر ادبی، از خود ردپا می گذارد و جاذبه زیباشناسی آن را بالا می برد (دانشور کیان و امامی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

در فرهنگ های ادبی مختلف تعاریف متعددی برای موتیف آمده است. هر یک از فکرها، ایده های غالب در اثر ادبی، بخشی از مضمون اصلی است که ممکن است شامل یک شخصیت یا یک تصور مکرر یا الگوی زبانی باشد (کادن ۱۳۸۰: ۱۲۴۹).

توماس مان آن را به معنی مضمون یا جز تکرار شونده در ادبیات به کار برده (همان ۲۲). فکر یا موضوع یا درونمایه ای است که در اثر ادبی تکرار می شود. تکرار بن مایه تاثیر مسلط اثر هنری را به وجود می آورد. این تاثیر مسلط گاه از طریق تصویرها، عبارت ها، شخصیت ها و حوادث و اعمالی است که در اثر هنری به طور مکرر به کار می روند، نیز بوجود می آیند (میر صادقی میمنت، ۱۳۸۸: ۵۵).

بیان مسئله:

موتیف یکی از اصطلاحات نقد ادبی جدید است که در زبان فارسی به بن مایه، نقش مایه یا درون مایه ترجمه شده است. «بن مایه» عنصر، حادثه، سخن، مطلب، موضوع یا مضمونی است که در کل ادبیات یا کل آثار کسی یا یک اثر خاص مدام تکرار می شود (شمسیا ۱۳۷۵: ۱۲۳).

موتیف در واقع عنصری است که بصورت نامحسوس در اثر تکرار می شود تا مضمون اصلی یا Theme را قابل تجسم تر و قوی تر سازد. در یک داستان یا رمان ممکن است از موتیف های زیادی استفاده شود. موتیف می تواند تکرار کنش و واکنش شخصیت های داستانی باشد و یا کاربرد یک تکیه کلام در گفتگو، ایده و یا فکری باشد که ذهن شخصیت داستانی را به خود مشغول می سازد.

نویسنده ممکن است به صورت آگاهانه یا ناخود آگاه بن مایه های مدنظرش را تکرار کند. در این مقاله بن مایه های اقلیمی در آثار احمد محمود مدنظر قرار گرفته شده تا از این راه بتوان تاثیر محیط و فضای اجتماعی محل زندگی نویسنده را در آثارش مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

مطالعه بن مایه های موجود در آثار احمد محمود که در آثار وی تکرار شده اند وسیله ای برای شناسایی سبک شخصی نویسنده و راهی برای ورود به دنیای ذهن او هستند. توجه به مضامین، درون نمایه ها و موتیف های اقلیمی از موضوعاتی هستند که به خوبی می توانند هویت بومی خالق اثر را مشخص کنند.

پیشینه تحقیق:

موتیف اصطلاحی تقریباً جدید در مباحث ادبی در ایران است و تا کنون به این مسئله به صورت جدی پرداخته شده است. در این زمینه می‌توان به مقاله محمد تقوی و الهام دهقان با عنوان «موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد» ۱۳۸۰، در فصلنامه نقد ادبی و مقال محمد پارسا نسب تحت عنوان: بن مایه، تعاریف، گونه‌ها و کارکرد ها در فصلنامه نقد ادبی اشاره کرد. در برخی کتب ادبی همه به مسئله موتیف و بن مایه های اقلیمی اشاره شده است.

سوال تحقیقی:

- چقدر محیط زندگی و واژه های اقلیمی در آثار محمود حضور داشته اند؟
- مهمترین بن مایه های اقلیمی در آثار احمد محمود کدامند؟

ادبیات اقلیمی و ادبیات جنوب

مقدمه

وجود ویژگی های خاص اقلیمی، فرهنگهای متفاوت با دین و مذهب روابط با دیگر اقوام و ملل و آداب و رسوم خاص باعث ظهور ادبیات اقلیمی شده است. اصطلاح «ادبیات اقلیمی» اولین بار به وسیله حسن میر عابدینی مطرح شد و قبل از او این نوع ادبیات را «ناحیه ای» یا «محلی» می خواندند. البته جمال میر صادقی ادبیات ناحیه ای و محلی را متمایز می داند. ادبیات اقلیمی را می توان به دو دسته ادبیات شهری و ادبیات روستایی تقسیم کرد. در ادبیات اقلیمی شهری یک شهر بخصوص محل وقوع داستان قرار می گیرد و به آداب و رسوم و طرز صحبت، آداب عقاید اهالی آن شهر می پردازد. مثل داستان زمین سوخته اثر احمد محمود در ادبیات اقلیمی روستایی داستان در یک روستا رخ می دهد و به مشکلات مردم و مسائل روستائیان از قبیل سهم آب، آفت زمین و امثال هم می پردازد شروع جدی ادبیات روستایی با تک نگاری های اجتماعی آل احمد و ساعدی بود. انتشار این تک نگاری ها موجب رشد ادبیات منطقه ای شد (میر عابدینی، ج ۱ و ۲: ۵۰۸).

رمان اهل غرق روانی پور را می توان جز ادبیات روستایی قرار داد. در ادبیات اقلیمی بیشتر شخصیت ها و قهرمانان داستان ها طبقات فرودست جامعه هستند و در این داستان ها غالباً به مشکلات طبقات پایین جامعه پرداخته می شود. رئالیسم در داستان های اقلیمی حرف اول را می زند و این شیوه ای است که این نویسندگان از آشنایی با ادبیات غرب به ارمغان آورده اند.

زبان این داستان ها نیز متناسب با شخصیت های داستان زبان ساده و محلی است و لهجه خاص منطقه و گویش آنها به همان شکل و سیاق کاربردی در این گونه داستانها به کار می رود. زبان بومی که شامل

واژگان، اصطلاحات و کنایات، ضرب المثل، آوازه‌های محلی و... است براساس سلیقه نویسنده در داستان حاضر است.

با شروع نهضت ادبیات ناحیه ای یا اقلیمی در ایران، نویسندگان منطقه‌های مختلف شروع به فعالیت کردند که «مهمترین دستاورد ادبیات اقلیمی حاصل تلاش‌های نویسندگان جنوبی است» (امیر عابدینی ۱۳۷۷ ج ۱ و ۲: ۵۶۱).

ادبیات اقلیمی جنوب بخاطر موقعیت خاص محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف همچون عربی و هندی و انگلیسی تا زبان فارسی است ویژگی خاصی به خود می‌گیرد. بویژه تاثیر زبان عربی به دلیل حضور هموطنان عرب در جنوب و جنوب غرب، روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر دیده می‌شود. بطوریکه واژه‌های عربی بومی مردم عرب خوزستان در بسیاری از داستان‌های اقلیم جنوب نمود پیدا می‌کنند. واژگانی همچون سعه، میداف، علاقه، عصبه، زایر و...

زندگی احمد محمود

احمد محمود یا احمد اعطا در سال ۱۳۱۰ در اهواز متولد شد. او در خانواده ای شلوغ و از طبقات متوسط جامعه رشد کرد. در دوره جوانی مثل بسیاری از جوان‌ها وارد عرصه سیاست شد و این امر مانع ادامه تحصیل او شد. به دلیل داشتن سابقه زندانی نتوانست استخدام شود و بیشتر به شغل آزاد روی آورد. داستان نویسی را در حدود سالهای ۳۳ تا ۳۶ با چند داستان کوتاه در مجلات تهران انتخاب کرد. وی در آغاز نویسندگی اش بیشتر تحت تاثیر داستان‌های صادق هدایت و صادق چوبک بود. او پس از این دوران بیشتر به داستان‌های رئالیستی روی آورد و با مطالعه دقیق اوضاع و احوال روستاییان و شهر و زادگاه خود به توصیف وضعیت زندگی آنان و مسائل اقتصادی و سیاسی پرداخت. «داستان‌های نخستین او از آثار هدایت و چوبک متأثرند، در همسایه‌ها و داستان یک شهر تاثیر فلسفه اجتماعی را به آشکار می‌بینیم» (دستغیب ۱۳۹۱: ۶۸۵). آثار احمد محمود شامل: مول، دریا هنوز آرام است، بیهودگی، زائری زیر باران، غریبه‌ها و پسرک بومی، همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، دیدار، از مسافر تا تب خال، مدار صفر درجه و مشهورترین آنها درخت انجیر معابد هستند.

سرانجام این نویسنده توانا پس از گذراندن یک زندگی پرشیب و فراز بر اثر بیماری ریوی در سال ۱۳۸۱ بدرد حیات گفت.

بن مایه‌های اقلیمی در آثار محمود:

احمد محمود به عنوان یکی از بزرگترین داستان نویسان مکتب جنوب، به خوبی توانسته است عناصر اقلیمی جنوب را در آثارش خود منعکس کند. حضور عناصر اقلیمی در داستان‌های محمود باعث نشده است، که آثار او از لحاظ طیف مخاطبان لطمه ببیند و متعلق به یک اقلیم خاص باشد، بلکه وی با رنگ

محلی بخشیدن به آثار خود باعث غنای آن ها شده است. خود محمود تاکید دارد که «مساله اقلیمی بودن حوادث و آدم ها معنایش این نیست که در بند اقلیم بماند و همان جا خفه شود، می شود از اقلیم مملکتی شد» (گلستان ۱۳۷۷: ۱۶۹).

محمود را می توان از پیشگامان ادبیات اقلیمی در روزگار معاصر دانست. او سعی کرده فضایی عینی و واقعی را از زبان شخصیت های خود بیان کند و از این طریق تصویری از فضای اقلیمی جنوب ارائه کند. در اینجا به مهمترین بن مایه های اقلیمی در آثار محمود می پردازیم:

آب و هوای گرم و شرجی

جنوب آب و هوای گرم و شرجی در داستان های نویسندگان مکتب جنوب رنگ متمایز به خود گرفته است. «تاریکی چیره شد، شرجی مثل مه سبکی روی شهر نشسته بود» (محمود ۱۳۸۲: ۱۴). «گرمای کشنده جنوب از گرده آدم تسمه می کشد. هوای مرطوب و خفکان آوری روی دلها سنگینی می کند، نفس پس می رود و به سختی بیرون می آید» (محمود ۱۳۳۹: ۳).

دریا

از مهمترین پدیده های اقلیمی جنوب، دریاست که جایی بسیاری از ساکنان جنوب به آن وابسته است. دریا حضوری پر رنگ در داستان های جنوب دارد و شاید پر بسامدترین واژه در داستان های این مکتب است. «خورشید دارد به دریا می نشیند. قوس سرخگونه ای که آتش می بارد افق دریا از رنگ خون زده است» (محمود ۱۳۸۲: ۳۹۹). «امواج ریز و آبی دریا، زیر نور خورشید چشم را می زند» (محمود ۱۳۸۱: ۲۹). «غرش دریا تکانم می دهد. میدان دیدم دریاست و ماسه های زرد کنار دریا» (محمود ۱۳۸۲: ۱۷).

ماهی و ماهی گیری

به تبع وجود دریا و رودخانه های پر آب، ماهی و ماهی گیری جزئی جدانشدنی از زندگی مردم جنوب است. «علی ته نیم بطری را بالا می آورد و شیشه را نگه می دارد که سر ماهی ها را بکوبد. حالا دارد به ماهی سوم بند می دهد. ناگهان نخ قلاب کشیده می شود. سنگین نیست. ماهی مثل بره سر به راه است و همراه بند می آیند» (محمود ۱۳۸۲: ۳۴). «ماهی سطح آب را آشفته می کند. سنگسر چاق و چله ای است که از چهار کیلو هم بیشتر است» (همان: ۳۹۷).

«چشمان ماهی بی حرکت مانده است. پیشانی اش قهوه ای می زند. به قلاب آویزان است و تقلا می کند. حیض می آید بندازمش رو اسکله» (محمود ۱۳۸۲: ۳۹۷).

کشتی و قایق:

«چراغ کشتی کوچکی که از غرب خلیج می آید از دور سوسو می زند» (محمود ۱۳۸۲: ۳۹۹).
 «از دور دست کشتی به طرف شرق می راند. همه چراغ هایش روشن است. می رود به طرف قشم و بعد تنگه هرمز» (همان: ۲۹).
 «تنها صدای اره می آمد. با ضربه چکش مردی کشتی ساز، بر روی داربست که سرگرم وصله کردن یک قایق قدیمی بود» (محمود ۱۳۸۲: ۲۹).

جاشو

کسی که در کشتی ها کار می کند و این شغل در بین مردم جنوب متداول است.
 «مهمه جاشوها به گوشم می نشیند» (محمود ۱۳۸۲: ۲۹).
 «آسمان چنان روشن است که حرکت خرچنگ ها را روی ماسه های ساحلی می بینم جاشوها دسته جمعی آواز می خوانند» (همان: ۲۹).

ساحل

کف پای برهنه ام، از خنکی ماسه های نیمه مرطوب ساحل لذت می برد. (محمود ۱۳۸۲: ۴۰۰).
 شب باید تو بندر مهتابی بخوابیم. غروب که می شه، روی ماسه های ساحل دراز می کشیم و آسمان را نگاه می کنیم (محمود، ۱۳۸۲: ۵۸۲).

نخل و نخلستان و خرما

شاید بعد از دریا بسامدترین واژه در ادبیات اقلیم جنوب نخل و متعلقات آن باشد. محمود توصیفات تحقیقی از این درخت نشان دهنده توجه عمیق اوست.
 «سایه نخل بلند پایه ای که تنها زینت خانه خشک و خالی بود رو زمین افتاده بود» (محمود ۱۳۵۳: ۸۹).
 «برگ های سر نیزه ای نخل ها توهم رفته بودند» (محمود ۱۳۸۱: ۶).
 «از کنار پرچین نخلستانی که انتهای شهر است می گذرم. صداهای شب توهم است» (محمود ۱۳۸۲: ۲۸).
 «نخل های باغ عدنانی، بیشتر مضافتی است و شکری خضراوی. لیلو کمتر دارد. خارک لیلو گس است. وقتی رسیده باشد طعمش به چمری می ماند» (محمود، ۱۳۵۷: ۲۸۱).

کنار

میوه درخت سدر است که جنوبی ها خود درخت را کنار می گویند. البته نوع دیگر کنار درختچه ای کوتاهاست که میوه اش ملس است و به نمریج معروف است. این درخت بسیار در داستان های جنوبی به کار می رود.

«گنجشک ها تو شاخ و برگ انبوه درخت کنار که وسط حیات است سرو صدا راه انداخته اند» (محمود ۱۳۸۶: ۷)

«ابراهیم عینه و همچون از درخت کنار بالا می رود» (محمود ۱۳۵۳: ۲۴).

زبان

استفاده از زبان و واژگان بومی و محلی خواننده را با لهجه اقلیم مورد نظر آشنا می کند. استفاده از این واژگان به عنوان بن مایه های اقلیمی باعث می شود خواننده با معنی آنها و کاربرد آنها آشنا شود. زبان صمیمی و ساده خاصیت زبان داستان های مکتب جنوب است و علاوه بر آن این زبان را افرادی در داستان به کار می برند که خود ساده و صمیمی هستند و معمولاً از میان مردم عادی هستند.

واژگان جنوبی

کلبچه: دستبند

«بگیرنش و کلبچه اش بزنن و بندازنش تو زندون» (محمود ۱۳۵۳: ۱۵۹).

لیغ: تور ماهیگیری

«شاید هم از کشتی های ماهیگیری غریبه هاست که گاه به راه می افتند و می آیند و لیغ ماهیگیران خود را پاره می کنند» (محمود ۱۳۸۲: ۸۳).

کبکاب: نوعی دمپایی چوبی

«بتولی هر وقت که دلش بخواهد روسری اش را سر می کند و کبکابش را سر به پا می کند و از خانه بیرون می زند» (محمود ۱۳۸۶: ۱۱۵).

واژگان عربی

وجود واژه های عربی بومی محلی مردم جنوب (بغیر از واژه های عربی موجود در زبان فارسی) که به دلیل سکوت آنها در استان های جنوبی و همچنین ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج باعث ورود کلمات عربی به ادبیات اقلیمی جنوب است.

علاگه: سبد

«گروهان غلام از رو رختخواب بلند می شود و می رود علاقه یی را که به سقف دالان آیزان است می آورد» (محمود، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

کومه: انباشته شدن چیزی

«چند کومه سنگ ساختمانی، اینجا و آنجا، تو زمین و ریگزار...» (محمود، ۱۳۸۶: ۶۳).

صبح: شوره زار

«اونجا از تو صبح می زنیم تو نخلستون بعد میون بر می زنیم به طرف شاخه» (محمود، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

البته حضور برخی واژگان انگلیسی در زبان مردم جنوب ناشی از حضور انگلیسی ها در این منطقه بوده که بعضی از این واژگان امروزه هم حتی در زبان عربی مردم جنوب حاضرند. واژگانی همچون پوتیه و بای سیکل.

«مگه ما سر گنج نشسته ایم که پوتیه بخریم کیلویی هشت تومن؟» (محمود، زمین سوخته ۱۶۱)

«گفت بای سیکل میخوام براش خریدم» (محمود، ۱۳۸۲: ۲۴).

ضرب المثل های جنوبی

«آدم بدبخت رو، روی خشکی کوسه می زنه» (محمود، ۱۳۸۲: ۹۹).

«آب که از سر گذشت چه یک نی چه صد نی» (محمود، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

بکارگیری بافت زبانی مخصوص جنوب و اصرار به استفاده از لغات جنوبی مشخصه قلم محمود است.

«کا، مو جنوبی ام» (محمود ۱۳۸۲: ۱۲۳)

«سی مو دیگه از ایناش گذشته» (محمود، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

گاهی افعال جنوبی را به کار می برد

«جایجا، دسته دسته که از گرما وا رفته اند. رختخواب ها و چمدان ها را و بچه ها رو هم کوت کرده اند»

(محمود، ۱۳۸۶: ۵۷).

کوت کردن به معنی تلمبار کردن است.

مکان های جغرافیای

ذکر مکان های محل وقوع داستان ها یکی از اصلی ترین مشخصه های ادبیات اقلیمی است. محمود مکان های مختلف از جمله اهواز و برخی مکان های آن و همچنین نام شهرها و بنادر جنوب را در آثارش بارها ذکر می کند.

«بهشت آباد جنوب شهر است. آمبولانس پیشاپیش اتوبوس ها از فلکه می اندازد رو جاده کوت عبدالله»

(محمود، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

«کارون آرام است. بهار سیلابی می شود و خانه های ساحلی را تهدید می کند. از زیر پل سفید رد می شویم» (محمود، ۱۳۵۳: ۲۴).

«شب را خوابیده بودیم بندر خمیر...» (محمود، ۱۳۸۲: ۱۴).

«چند سال قبل تو یکی از شب های تابستان، نیمه های شب، قاچاقچی ها، تو بندر مغویه، همه را به گلوله می بندند» (محمود، ۱۳۸۲: ۲۱).

نفت

منابع نفت در جنوب و چاه های بزرگ نفتی به عنوان یکی از بزرگترین میدان های جهان تاثیر شگرفی در اقتصاد کشور ما بویژه در زندگی مردم جنوب دارد. وجود پالایشگاه ها و صنایع پیرامون علاوه بر استخراج نفت و تاثیر و تاثر از همجواری با این منابع باعث شده نفت در ادبیات نویسندگان مکتب جنوب جایگاه خاصی داشته باشد. احمد محمود هم از این قاعده مستثنی نیست.

«شعله های رقصنده دودکش های بلند کوره های نفت، گله به گله آسمان سیاه را رنگ خون زده بودند» (محمود، ۱۳۵۳: ۶۴).

«حالا ماسه ها نفت را مکیده بودند و زمین خشک شده بود» (محمود، ۱۳۵۳: ۹۰).

«من خیال کردم که میدانگاهی جوع دارد و دهان نفتی خود را باز کرده است که ریزه ریزه شهر را بلعد.» (محمود، ۱۳۵۳: ۹۰).

نتیجه گیری

اقلیم جنوب یکی از اقلیم های ایران است که دارای مشخصه ها و ویژگی های خاصی و منحصر به فردی است. آب و هوای گرم و شرجی، دریای بزرگ و پهناور که حیات برخی از ساکنان این ناحیه به آن وابسته است و از طریق آن امرار معاش می کنند. وجود نخلستان های عظیم و همچنین صنعت نفت و صنایع جانی آن و... همه از ویژگی های خاص جنوب است که نویسندگان مکتب جنوب این مساله را در داستان های خود بازگو می کنند.

موتیف یا بن مایه بعنوان یکی از اصطلاحات نقد ادبی جدید که به بررسی عناصر تکرار شونده در یک متن می پردازد راه را برای خواننده جهت شناخت محیط نویسنده و اندیشه او هموار می کند.

در این مقاله به بررسی بن مایه های اقلیمی در آثار محمود پرداخته شده است. بن مایه های اقلیمی خاص منطقه جنوب که آنقدر در زندگی مردم این سامان موثرند که تقریباً اکثر نویسندگان اقلیم جنوب از آن بهره گرفته اند.

این عناصر تکرار شونده به طور آگاهانه یا نا خود آگاه در آثار احمد محمود حاضرند و خواننده را جهت شناخت محیط پیرامون نویسنده یاری می کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- دانشور کیان، علی، امامی، سهیلا (۱۳۸۵)، «یادداشتی بر بن مایه‌های تصویری در شعر «صدای پای آب سهراب سپهری»»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. (صص ۱۱۷-۱۳۱).
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۹۱)، از دریچه نقد (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: انتشارات خانه کتاب.
- کارن، جی ای، (۱۳۸۰)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروز مند، چاپ اول، تهران: غزال.
- گلستان، لیلی (۱۳۷۴)، حکایت حال، گفتگو با احمد محمود، تهران: کتاب مهناز.
- محمود احمد (۱۳۸۲)، داستان یک شهر، چاپ ششم، تهران انتشارات معین.
- محمود احمد (۱۳۵۳)، غریبه‌ها و پسرک بومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- محمود احمد (۱۳۳۹)، دریا هنوز آرام است، چاپ اول، انتشارات گوتنبرگ.
- محمود احمد (۱۳۵۷)، همسایه‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- محمود احمد (۱۳۸۱)، زایره زیر باران، چاپ ششم، تهران، انتشارات معین.
- محمود احمد (۱۳۸۴)، مدار صفر درجه چاپ ششم، تهران، انتشارات معین.
- محمود احمد (۱۳۸۶)، زمین سوخته، چاپ هشتم، تهران، انتشارات معین.
- میر صادقی، جمال (۱۳۷۶)، ادبیات داستانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی.
- میر صادقی، میمنت (۱۳۸۸)، واژه نامه هنر شاعری، چاپ چهارم، انتشارات کتاب مهناز.
- میر عابدینی، حسن (۱۳۷۷)، صد سال داستان نویسی ایران، تهران، نشر چشمه.